

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:**عقاید؛ شناخت خداوند (وجود، صفات و افعال)****بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ****نقد****نویسنده: میکانیل****تاریخ: ۱۴۰۰/۱۲/۳**

جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در صفحه‌ی ۱۸۲ کتاب شریف «بازگشت به اسلام» در باب «ضرورت پیامبران» فرموده‌اند: «روشن است که این کار [یعنی آگاه کردن هر انسان از اسباب کمال و زوالش و از موجبات رضایت و کراهت خداوند]، یا به صورت مستقیم انجام می‌شود، به این ترتیب که خداوند بدون واسطه، هر انسانی را از اسباب کمال و زوالش و موجبات رضایت و کراهت خود آگاه می‌گرداند و یا به صورت غیر مستقیم انجام می‌شود، به این ترتیب که خداوند برخی انسان‌ها را از اسباب کمال و زوالشان و موجبات رضایت و کراهت خود آگاه می‌گرداند تا برخی دیگر، به آن‌ها رجوع کنند و از طریق آن‌ها، اسباب کمال و زوالشان و موجبات رضایت و کراهت خداوند را بشناسند.» در پاسخ به این سؤال که چرا خداوند راه دوم را برگزید، نه راه اول را، چه باید گفت؟ به عبارت دیگر، چه ضرورت یا حکمتی وجود داشته در اینکه خداوند راه کمال و زوال انسان‌ها را به برخی انسان‌ها نشان داده است، نه به همه‌ی آن‌ها؟ با تشکر از وقتی که صرف می‌کنید.

بررسی**تاریخ: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴**

کاری که بر خداوند واجب بوده، صرفاً این بوده که مردم را از اسباب کمال و زوالشان و موجبات رضایت و کراهت خود، آگاه گرداند و او این کار را به صورت غیر مستقیم و با واسطه انجام داده؛ چراکه انجام آن به صورت مستقیم و بدون واسطه، از یک سو با قابلیت و ظرفیت همه‌ی آنان سنخیت و تناسبی نداشته است؛ با توجه به اینکه همه‌ی آنان اهلیت و توانایی عقلی و روحی لازم برای ارتباط با خداوند و دریافت وحی را ندارند و از سوی دیگر

بر خلاف سنت و برنامه‌ی خداوند برای ابتلاء و امتحان آنان بوده است؛ با توجه به اینکه آنان، به اقتضای عقل و اختیارشان، باید آزموده شوند تا به کمال خود دست یابند و آزمون آنان هنگامی معنا دارد که اراده‌ی خداوند و سایر حقایق غیبی، برایشان محسوس و غیر قابل انکار نباشد، تا معلوم شود که کدامشان آن‌ها را تصدیق و پیروی می‌کند و کدامشان آن‌ها را دروغ می‌شمارد یا نادیده می‌گیرد. از این رو، خداوند توقع نزول وحی بر همه‌ی انسان‌ها را توقعی نابجا دانسته و فرموده است: **﴿بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مِّنْشَرَّةٍ﴾**؛ «بل هر یک از آنان توقع دارد که کتاب‌هایی جداگانه (از جانب خداوند) داده شود» و فرموده است: **﴿وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رَسُولُ اللَّهِ ۗ اللَّهُ أَكْبَرُ ۗ مَا نَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾**؛ «و چون آیتی برایشان آید گویند: ایمان نمی‌آوریم تا آن گاه که مانند آنچه به رسولان خداوند داده شده است به ما نیز داده شود، خداوند بهتر می‌داند که رسالتش را کجا قرار دهد».

این علت آگاه کردن مردم از اسباب کمال و زوالشان و موجبات رضایت و کراهت خداوند به صورت غیر مستقیم و با واسطه‌ی پیامبران بوده است، ولی حتی اگر چنین علتی وجود نداشت نیز جایی برای اعتراض به خداوند نبود؛ زیرا بر او واجب نبوده که این کار را به صورت مستقیم و بدون واسطه انجام دهد و از این رو، با انجام آن به صورت غیر مستقیم و با واسطه، به مردم ظلم نکرده؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ﴾**؛ «و خداوند به آنان ظلمی نکرده است». او کاری که بر عهده‌اش بوده را انجام داده و در رابطه با شیوه‌ی انجام آن مختار بوده است و از این رو، جایی برای اعتراض به او وجود ندارد؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾**؛ «و پروردگارت هر چیزی که می‌خواهد را می‌آفریند و اختیار می‌کند، اختیار به دست آنان نیست» و فرموده است: **﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ﴾**؛ «از کاری که می‌کند سؤال نمی‌شود و آنان سؤال می‌شوند». این مقتضای الوهیت و ربوبیت اوست که بدون ظلم، برای آفریدگانش تصمیم بگیرد، همان طور که مقتضای مالکیت شما بر دسته‌ی کلید یا کیف پولتان است که آن را در هر یک از دو جیب خود که می‌خواهید قرار دهید، به نحوی که عجیب و گاه مصداق فضولی خواهد بود اگر کسی از شما بپرسد که چرا آن را در جیب راست خود قرار داده‌اید و در جیب چپ خود قرار نداده‌اید! این توضیح از آن جهت ضرورت دارد که بسیاری از مردم خود را بنده و مملوک خداوند نمی‌دانند

۱. المدثر / ۵۲

۲. الأنعام / ۱۲۴

۳. آل عمران / ۱۱۷

۴. القصص / ۶۸

۵. الأنبياء / ۲۳

و به حقّ او به عنوان آفریننده و روزی‌دهنده‌ی شان توجّه ندارند، بل او را مانند حاکمی از جنس خود می‌پندارند که بدون رأی و رضایت‌شان بر آنان سلطه یافته و برایشان تصمیم گرفته است و به این دلیل، از او ناراضی و طلبکار هستند و گلایه و بازخواست می‌کنند که چرا برای ما چنین کردی و چنان نکردی! در حالی که این نگرش و روحیه‌ی آنان، خالی از شناخت خداوند و ایمان به اوست و به روحیه و نگرش شیطان می‌ماند که در برابر او قد علم کرد و به چون و چرا پرداخت! نگرش و روحیه‌ی مؤمنان، آکنده از احساس عبودیت و تسلیم در برابر خداوند است، تا حدّی که اگر آنان را به هر فقر، بیماری، مشقّت و مصیبتی مبتلا کند، از او راضی هستند و او را عادل می‌دانند و از صمیم قلب شکر می‌گزارند؛ زیرا اعتقاد راسخ و التفات دائم دارند که او آفریننده و روزی‌دهنده‌ی آنان است و هر کاری با آنان می‌کند، از روی حکمت و رحمت است. ظلم را به ساحت او راهی نیست و از هر نقص و عیبی منزّه است و کاری بهتر از آنچه انجام داده، ممکن نبوده است.



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیعی خراسانی
 بخش آمیزشی قلم‌ها



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیعی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه توییتر بایگاه

صفحه اینستاگرام بایگاه

صفحه تلگرام بایگاه

صفحه فیس‌بوک بایگاه

لینک کتاب آبی